



کندوکاوی در حیات سیاسی آیت‌الله میرزا احمد کفایی

○ غلامرضا جلالی

شرکت در حرکت مردم عراق علیه نفوذ انگلیس

میرزا احمد در سال ۱۳۲۹ هـ. ق در زمان حیات پدر به ایران آمد و هنگام درگذشت آخوند که همان سال به وقوع پیوست، در مشهد بود، سپس به عراق بازگشت و در انقلاب مردم عراق علیه انگلیس که به رهبری علما و مراجع صورت می‌گرفت، شرکت کرد. او از مشاورین نزدیک آیت‌الله میرزا محمد تقی شیرازی بود. خود همراه شیوخ عرب به میدان جنگ رفت. فعالیت‌های گسترده او علیه انگلیس سبب شد که سرپرستی کاکس، حاکم کل انگلیس در عراق، یکی از شرایط ترک مخاصمه را تحویل ۱۷ نفر از رهبران انقلاب، از جمله حاج میرزا احمد به قوای انگلیس، تعیین کرد.

وقتی نیروهای انگلیس از بازداشت او نومید شدند، یکی از شیوخ را مأمور ترور وی کردند. ترور ناکام ماند و حاج میرزا

برعصر و دوره حیات خود، دنبال کرده‌اند، امروزه که زمان متحول شده و زمانیات نیز دستخوش دگرگونی گشته است، کاری بس دشوار است و نمی‌تواند عاری از هر گونه خبط و خطا باشد.

تولد و تحصیل

میرزا احمد، فرزند سوم آیت‌الله محمد کاظم خراسانی در ربیع‌الاول سال ۱۳۰۰ هـ. ق در شهر نجف متولد شد. وی تحصیلات مقدماتی خود را نزد شیخ زین‌العابدین شاهرودی و شیخ ابراهیم دشتی و مکاسب را نزد آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی و رسائل و کفایه را نزد برادر خود آیت‌الله میرزا محمد آقازاده فراگرفت، سپس معقول و متقول را نزد آیت‌الله شیخ احمد شیرازی و درس خارج فقه و اصول را از سال ۱۳۱۹ در مجلس درس پدر خود مرحوم آخوند خراسانی، حاضر شد و به درجه اجتهاد نایل گردید.

در این شماره نگاهی داریم به فعالیت‌های دینی و سیاسی مرحوم آیت‌الله میرزا احمد کفایی - فرزند سوم آخوند خراسانی -، یکی از چهره‌های مطرح دهه‌های دوم تا پنجم خراسان در قرن حاضر، وی علیرغم نقشی که در حرکت‌های سیاسی این بخش از خاک وطن داشته است و از این منظر جایگاه کم‌مانندی در تاریخ معاصر روحانیت مشهد دارد، به دلیل بعضی از حمایت‌های ایشان از رژیم پهلوی و اعلان موافقت با برخی از سیاست‌های آن بر حسب نوع نگرشی که به فلسفه سیاسی و فقه کلان شیعی داشتند، تاکنون که ۲۷ سال از پرواز روان او به جهان ابدیت می‌گذرد، چهره وی چنانکه باید شناسانده نشده است. هر چند معرفی این گونه شخصیت‌ها که سیاست‌های دوگانه و به‌ظاهر متعارضی را به دلیل همان نحوه نگرش و مقتضیات زمانی و مکانی و ویژگیهای حاکم



مدارس را هم قشون گرفته بود و در آن مشق می‌کرد. هیچ کس حق نداشت روضه بخواند و مجالس روضه خوانی تشکیل دهد و یا در ایام سوگواری دسته راه بیندازد. اما من، بیرونی خود را در مدرسه سلیمان خان قرار دادم و این تنها مدرسه‌ای بود که من نگذاشتم به تصرف دولتیان درآید.»

پس از شهریور ۱۳۲۰ و سقوط رضاخان، تصدی حوزه و امور دینی مشهد در شرایطی به عهده مرحوم

پس از شهریور ۱۳۲۰ و سقوط رضاخان، تصدی حوزه و امور دینی مشهد در شرایطی به عهده مرحوم کفایی گذاشته شده بود که قشون روس در مشهد به سر می‌برد و توده‌ای‌ها شب و روز فعالیت ایستونولوژیکی و سیاسی داشتند و جو عجیبی بر شهر حاکم بود، حاج میرزا احمد در این مقطع از عمر خود بحرانهای بزرگی را از سر گذرانید

احمد از نجف متواری شد. وی یک سال در مکه ماند و در آن جا میهمان شریف مکه، پدر ملک فیصل اول بود و پس از آن که ملک فیصل از مکه به عراق رفت، او از مکه به عراق بازگشت و در عراق بار دیگر با همکاری دیگر علما، علیه انگلیسی‌ها به فعالیت پرداخت، تا اینکه انگلیسی‌ها در سال ۱۳۰۲ ه. ش همه علما، از جمله آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی و آیت الله نائینی را از عراق به ایران تبعید کردند و او هم در شمار تبعید شدگان بود.

حضور در خراسان و احیای حوزه علمیه مشهد

پس از این که روحانیون تبعیدی به عراق بازگشتند، آیت الله میرزا احمد کفایی به دعوت مردم به مشهد آمد و در این شهر سکونت یافت. ایشان روز دهم مرداد سال ۱۳۰۲ ه. ش که رضاشاه به مشهد آمده بود، با وی ملاقات کرد و خواسته‌های علمای برجسته خراسان را با او در میان گذاشت.

میرزا احمد در زمان حکومت جائزانه رضاخان، علیرغم سخت‌گیریهایی که از سوی دستگاه حکومت نسبت به حوزه‌های دینی و علما می‌شد، حوزه درسش را حفظ کرد. ایشان در خاطرات دوران مبارزاتی خود در عصر رضاخان، می‌گوید: «در آن زمان، دولت تمام مدارس را که طلاب علوم دینی در آن تحصیل می‌کردند، تصرف کرده بود. مدرسه باقریه، مدرسه دخترانه شده بود. مدرسه دو درب را بسته بودند و سایر





کفایی گذاشته شده بود که قشون روس در مشهد به سر می‌برد و توده‌های‌ها شب و روز فعالیت ایدئولوژیکی و سیاسی داشتند و جوّ عجیبی بر شهر حاکم بود، حاج میرزا احمد در این مقطع از عمر خود بحرانهای بزرگی را از سر گذرانید.

در این سالها براساس مصاحبه دی‌ماه ۱۳۲۷ روزنامه آفتاب شرق با مرحوم کفایی، حدود ۹۰۰ نفر طلبه در حوزه مشهد، در مدارس: نواب، میرزا جعفر، باقریه، حاج حسن، خیرات خان، عباسقلی خان، ابدال خان، بالاسر، پریراد، دو درب، سلیمان خان و مدرسه رضوان مشغول تحصیل بودند.

هزینه تحصیلی بیشتر طلبه‌ها از راه موقوفات مدارس تأمین می‌شد و مبلغی هم آستان قدس رضوی به دلیل تصرف موقوفات مدرسه فاضل‌خان که در تعریض اطراف صحن تخریب شده بود، پرداخت می‌نمود. موقوفه ظهیرالدوله نیز که بر اساس وقف نامه، درآمد حاصله آن می‌بایست صرف هزینه تحصیلی طلبه‌ها شود، در اختیار شرکت فلاحیت بود. و سال ۱۳۲۷ ه. ش این موقوفه از شرکت گرفته شد و از سوی میرزا احمد اجاره داده شد تا درآمد آن به مصرف هزینه تحصیلی طلاب برسد.

مقابله با دسیسه‌های روس

پس از آن که حکومت رضاخان سقوط کرد و نیروهای اشغالگر خاک وطن را به تصرف خود درآوردند، روس‌ها به خراسان آمدند و اوضاع بسیار آشفته شد و افسران توده‌ای با ساز و برگ نظامی به

شمال رفتند تا طرح براندازی که در سر می‌پروراندند به اجرا بگذارند، میرزا احمد که در این زمان از نفوذ مردمی خوبی برخوردار بود، از دولت قوای امدادی خواست و دولت نیرو به مشهد فرستاد و اوضاع با حمایت میرزا احمد کفایی کمی آرام گرفت. با این حال مردم بسیار پریشان و وحشت زده بودند و همه بر جان و مال خود می‌ترسیدند و هر کس به گوشه‌ای خزیده بود. در چنین موقعیتی، کنسول روس از آیت الله کفایی درخواست ملاقات کرد و ایشان او را در منزل خود پذیرفت و از او خواست مانع بروز مشکلات بیشتر برای مردم شود. با این حال اوضاع طور دیگری بود و به سیاست نوین و ابتکار عمل نیاز داشت.

تشکیل هیات‌های مذهبی

مرحوم میرزا احمد، راه مقاومت در برابر نفوذ نیروهای روس و روشنفکران خود فروخته به شترق را در تشکیل هیات‌های مذهبی و فعال کردن آنها دانست، که خود در جریان نهضت ملی نفت به ابزار سیاسی ویرانگری دو دست رژیم پهلوی تبدیل شد. این بود که اقدام به تشکیل دسته‌جات مذهبی کرد و در مناسبت‌های دینی از آنها می‌خواست تا در حضور همه نیروهای روس و رجال سیاسی متوحش خراسان، از جلوی مدرسه سلیمان خان که خود جلوی درب آن حضور می‌یافت، رد شوند و احساسات تند مذهبی خود را به رخ دشمن بکشند. این اقدام کفایی بسیار مؤثر واقع شد. ایشان علاوه بر راه

میرزا احمد در زمان حکومت جانترانه رضاخان، علیرغم سخت‌گیریهایی که از سوی دستگاه حکومت نسبت به حوزه‌های دینی و علما می‌شد، حوزه درسش را حفظ کرد

انداختن دسته‌های عزاداری، روضه و منبر را که سالیان مدید ممنوع بود، ترویج کرد و خود در مدرسه سلیمان خان روضه‌ای تشکیل داد و سیل جمعیت به این مدرسه سرازیر می‌شد.

موقعی که در حکومت قوام‌السلطنه، دستور انتخابات انجمن ایالتی صادر گردید و حزب توده شبانه مسجد مقبل را اشغال کرد تا اول وقت اخذ رأی، صندوقها را از آراء قلابی پر کنند، آیت الله میرزا احمد، وارد عمل شد و دستور حمله به حزب ملیون و توده‌ای‌ها را صادر کرد و توده‌ای‌ها را از دور خارج کرد و این عمل وی بعدها مورد تمجید شاه قرار گرفت!

میرزا احمد کفایی تا زمان نهضت ملی با توده‌ای‌ها درگیری داشت و در مسایل شهر دخالت می‌کرد و در دوره نهضت ملی، بخصوص با توجه به نقش منفی که دسته‌های مذهبی در سقوط مصدق و تقویت رژیم شاه داشتند، سخت مورد حمله مخالفین و اساتذ ادب قرار گرفت و جراید محلی به کزات به ایشان اهانت کردند و ایشان مدتی به قم مسافرت کرد.

بمنظور عرض تسلیم اساحت مقدس حضرت ولی عصر عجل... فرجه الشریف

بمناسبت از تحویل

حضرت آیت الله العظمی

آقای حاج میرزا احمد کفایی قدس سره

مجلس ترحیمی در روز ۵ دوشنبه ۱۳۸۶ صیحه از ساعت ۱۰ الی ۱۲

«حسینیه در حرم مقبل السلطنه»

والع در سر آب منعقد است از عموم مؤمنین و علاقمندان بمقام شامخ روحانیت تقاضا دارم شرکت فرمائید

چهارشنبه - کارگزاران آیت الله العظمی - حسین مکرّم - حاج علی ابراهیم زنجانی - حاج علی محمد باقری
پنجشنبه - کارگزاران آیت الله العظمی - حاج حسین مطهری - حاج علی - حسینیه اربعه - کنگره کتبی زاده
شنبه - کارگزاران آیت الله العظمی - حاج فضل الله معلمی - کربلایی - حاج علی محمدی - حاج علی محمدی
یکشنبه - کارگزاران آیت الله العظمی - حاج علی محمدی - حاج علی محمدی - حاج علی محمدی

و اعتراض خود را نسبت به برخی از برنامه‌های رژیم به گوش می‌رساند و در مواردی که احساس نفوذ کلام می‌کرد، به ارشاد می‌پرداخت. سیاست‌های خاص آیت الله کفایی که بخصوص در سالهای آخر عمر که هماهنگی لازم را با روحانیت مبارز نداشت، موجب انتقاد شدید آنها و انزوای سیاسی وی شد و هر از چند گاهی طلاب حوزه خراسان اعتراض‌های خود را در رابطه با مشی سیاسی وی به گوش او می‌رساندند.^۷

نقش آیت الله کفایی در امور دینی و فرهنگی خراسان
آیت الله میرزا احمد کفایی، در سمینارها و کنگره‌های مختلف دینی و علمی شرکت می‌کرد و به تقویت مبانی فرهنگی جامعه و اخلاقیات و ارزشهای برین توجه نشان می‌داد و دوست داشت فقر و فاقه در جامعه نباشد و گدایی و تکدی‌گری از جامعه برچیده شود. جوانان به مسایل دینی اهمیت بدهند و در مراکز آموزشی، از آموزش ارکان و احکام دین غفلت نشود و اولیای امور فرهنگی نسبت به تعلیم و تربیت شاگردان مدارس اهتمام بورزند و در مدارس و دبیرستانها و مراکز آموزشی بخصوص در درسهای دینی، از معلمان متدین استفاده شود و مردم به بهداشت تن و روان خود بپردازند.
او برای رسانه‌های عمومی اهمیت ویژه‌ای قائل بود و با توده‌های مردم به خوبی می‌جوید و توقعات آنها را

میرزا احمد علی رغم تمایل مردم و روحانیت مبارز، با نهضت ۱۵ خرداد همدلی نکرد، وی در جریان دیدار فروردین سال ۴۲ شاه از مشهد که به منظور تحکیم موقعیت خود صورت گرفته بود، در حرم با وی ملاقات کرد و مدت ۳۰ دقیقه در دارالحفاظ همراه آیت الله فقیه سبزواری درباره وضعیت روحانیت و مسایل اجتماعی خراسان با شاه به گفتگو نشست.^۸ با این حال سه روز پس از نهضت ۱۵ خرداد و بازداشت امام خمینی و آیات قمی و محلاتی در باغ ملک آباد همراه فقیه سبزواری با استاندار وقت خراسان، دیدار کرد و به ایشان توصیه کرد به توقعات مردم نسبت به آزادی آیات توجه کنند.
جهت مثبت همکاری آیت الله کفایی با دربار این بود که دربار و مقامات رژیم در استان از ایشان تا حدی حرف شنوی داشتند و ایشان مقاصد و اهداف دینی و معنوی خود را از این راه دنبال می‌کرد^۹

حمایت نسبی از سیاست‌های شاه و انزوای سیاسی
میرزا احمد پس از مهاجرت به ایران تا زمان درگذشت، رابطه خود را با شاه و مأمورین بلند پایه رژیم در خراسان حفظ کرد. ایشان در همه دیدارهای شاه از مشهد، با او ملاقات می‌کرد. روز ۱۷ بهمن ۱۳۲۷ پس از واقعه ترور نافرجام شاه، به ایشان تلگراف زد و این عمل را خیانت به کشور اسلامی خواند.^{۱۰} این رابطه‌ها تا زمان نهضت ملی، چندان مورد انتقاد مردم و روحانیت قرار نمی‌گرفت، ولی حمایت ایشان از رژیم، در جریان نهضت ملی و تلگراف به شاه پس از بازگشت وی از خارج کشور،^{۱۱} به جایگاه مردمی وی بسیار لطمه زد و ایشان چندین ماه به قم رفت و گروه‌های سیاسی چپ‌گرا به مواضع سیاسی ایشان تاختند ولی حمایت آیت الله بروجردی از ایشان و استقرار مجدد رژیم، شرایط را دگرگون کرد.



احمد کفایی تا زمان نهضت ملی با توده‌ای‌ها درگیری داشت و در مسایل شهر دخالت می‌کرد و در دوره نهضت ملی، بخصوص با توجه به نقش منفی که دسته‌های مذهبی در سقوط مصدق و تقویت رژیم شاه داشتند، سخت مورد حمله مخالفین و اسانده ادب قرار گرفت

می‌فهمید و به مشکلات آنها رسیدگی می‌کرد و پناهگاه هزاران انسان در دوره ستم شاهی بود و از اعدام‌ها، تعدی‌ها و تجاوزهای بی‌شماری جلوگیری می‌کرد. آیت الله حاج میرزا احمد کفایی در سال ۴۳ به عتبات رفت و روز ۲۱ خرداد ۴۳ به مشهد بازگشت.^۹ و در سال ۴۶ به اتفاق دربندی، کاهانی، قالی‌باف و قربانی، به عتبات رفت و در اردیبهشت سال ۴۷ به مشهد بازگشت و ۱۶ خرداد سال ۴۸ برای معالجه به خارج عزیمت کرد و سال ۴۹ به دلیل کسالت قلبی تحت معالجه قرار گرفت و در ششم دی ماه سال ۱۳۵۰ برابر با ۷ ذی القعدة ۱۳۹۱ هـ. ق ساعت ۶/۳۵ دقیقه صبح در اثر سکنه مغزی در مشهد درگذشت و جنازه‌اش با شکوه فراوان با شرکت مردم و مقامات دولتی تشییع شد و در توحیدخانه حرم مطهر امام رضا(ع) به خاک سپرده شد. مرحوم کفایی، علاوه بر فعالیت‌های سیاسی، به فعالیت‌های علمی اشتغال داشت، حاشیه‌ای بر کتاب کفایة الاصول پدر خود مرحوم آخوند

خراسانی نوشت و مدت ۴۵ سال در مسجد گوهرشاد ویا منزل خود به تدریس فقه و اصول پرداخت و بعضی از چهره‌های علمی معاصر از محضر او بهره برده‌اند و حضرات آیات: سید یونس اردبیلی، حاج شیخ علی اکبر نهایندی، فقیه سبزواری، حاج محقق نوغانی و دانشورانی چون: مهدی واعظ، شیخ محمود حلبی، شیخ مرتضی عیدگاهی، مدقق، شیخ علی محدث، قطب و مراجع و شخصیت‌های برجسته

پی‌نوشت‌ها:

۱. آفتاب شرق ۳۳/۱۱/۸ ص ۳
۲. همان ۱۳۳۷/۱۱/۱۷
۳. نور خراسان ۲۲/۶/۷
۴. روزنامه اطلاعات ۲۳/۱/۸۴
۵. روزنامه خراسان ۲۳/۱/۱۶
۶. همان ۳۶/۱۱/۲۵
۷. ایران مبارز ۳۱/۳/۳۰
۸. آفتاب شرق ۳۳/۳/۳۱ ص ۴

